

صفات مسارعین در خیر با توجه به آیات ۵۷ تا ۶۱ مؤمنون

طیبه محمدی گوشکی^۱

چکیده

در آیات قرآن عجله در کارها، امری مذموم و ناپسند شمرده شده است و در عوض به سرعت در انجام امور و سبقت از یکدیگر در انجام دستورات امر و تاکید شده است. اما از آنجا که در برابر کارهای خیر، همیشه موانع و وسوسه‌های شیاطین جن و انس وجود دارد، به همین دلیل هنگامی که مقدمات آن فراهم شد، باید شتاب کرد که مبادا افراد تنگ‌نظر، کوتاه‌فکر و شیطان‌صفت، سنگ‌هایی در راه آن بیندازند. آنچه برای نجات انسان ضروری است دو صفت «سعی و سرعت» است؛ از این رو قرآن مجید در آیات متعددی، مؤمنان را به مسارعت در خیرات و پیشی گرفتن از یکدیگر دعوت می‌کند، از جمله در آیه ۶۱ سوره مؤمنون، در شرح صفات برجسته مؤمنان آمده است: «آنها در کارهای نیک به سرعت اقدام می‌کنند و از دیگران پیشی می‌گیرند» و پیش از این آیه به توصیف کسانی که اهل مسارعه و در خیرات هستند می‌پردازد که هدف از این تحقیق، تبیین دقیق این صفات و بیان ارتباط این صفات و مساعین است که با روش توصیفی-تحلیلی و با جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای براساس آیات ۵۷ تا ۶۱ از سوره مؤمنون، صفات شمرده شده در این را مورد احصا و و بررسی قرار داد و یافته‌های آن در صفات مسارعین در خیر، از این قرار بود: علم و شناختی که مایه‌ی خشیت می‌شود؛ ایمان عمیق و دائمی به آنچه درک کرده است؛ دوری از انواع شرک‌ها، مخفی و آشکار؛ انفاق از آنچه خدا عطا نموده.

کلیدواژگان

ایمان، خیر، سوره مؤمنون، مسارع.

^۱ طلبه سطح دو موسسه آموزش عالی فاطمیه کرمان؛ S3080025075@whc.ir

مقدمه

در قرآن با دو واژه از مردم خواسته شده است تا در کارهای نیک و پسندیده مشارکت فعال و سازنده داشته باشند؛ این دو واژه عبارت‌اند از «سبقت» و «سرعت». در منظومه دینی ما عجله در کارها، امری مذموم و ناپسند شمرده شده است و به‌جای تعجیل در امور، دستور به سرعت گرفتن و استباق از یکدیگر داده‌اند. اما از آنجا که در برابر کارهای خیر، همیشه موانع و وسوسه‌های شیاطین جن و انس وجود دارد، به همین دلیل هنگامی که مقدمات آن فراهم شد، باید شتاب کرد که مبدا افراد تنگ‌نظر، کوتاه‌فکر و شیطان‌صفت، سنگ‌هایی در راه آن بیندازند. البته باید میان سرعت در انجام کار و عجله مذموم که مربوط به قبل از فراهم شدن مقدمات لازم برای انجام کار است، تفاوت گذاشت. فرق بین سرعت و عجله این است که سرعت سبقت و پیشی جستن است در کاری که جایز و پسندیده و محمود باشد؛ ولی عجله به معنای پیشی جستن در جای‌ای است که پیشی گرفتن سزاوار نیست و مذموم می‌باشد. آنچه برای نجات انسان ضروری است دو صفت «سعی و سرعت» است؛ از این رو قرآن مجید در آیات متعددی، مؤمنان را به مسارعت در خیرات و پیشی گرفتن از یکدیگر دعوت می‌کند، از جمله در آیه ۶۱ سوره مؤمنون، در شرح صفات برجسته مؤمنان آمده است: «اولئک یسارعون فی الخیرات و هم لها سابقون؛ آنها در کارهای نیک به سرعت اقدام می‌کنند و از دیگران پیشی می‌گیرند» و پیش از این آیه به توصیف کسانی که اهل مسارعه و در خیرات هستند می‌پردازد این تحقیق در صدد است تا براساس این آیات از سوره مبارکه مؤمنون، صفات شمرده شده در این را مورد احصا و و بررسی قرار دهد.

از دست ندادن فرصت‌ها برای به‌دست آوردن منافع دنیوی یا اخروی، شخص را به سمت سرعت در نیکی می‌کشاند. و چون ساعت‌ها در روز، و روزها در ماه، و ماه‌ها در سال، و سال‌ها در عمر آدمی شتابان می‌گذرد، از این رو زمان بسیار محدود بوده و سرعت در کار بسیار کمک‌کننده در این مسیر است. اما اینکه سرعت در چه کاری بهتر و پیشرو است را باید از منبع وحی آموخت و اینکه در برابر کارهای خیر، همیشه موانع و وسوسه‌های شیاطین جن و انس وجود دارد، به همین دلیل هنگامی که مقدمات آن فراهم گردد، باید شتاب کرد.

سوال اصلی این تحقیق «صفات مسارعین در خیر با توجه به آیات ۵۷ تا ۶۱ مؤمنون چیست؟» می‌باشد که حل این سوالات را در قالب سه سوال کوچک‌تر ممکن است و به حل آن در سه زمینه بینشی گرایشی و کنشی پرداخته شده است که این سوالات عبارت‌اند از:

۱. صفات بینشی مسارعین در خیر با توجه به آیات ۵۷ تا ۶۱ مؤمنون چیست؟

۲. صفات گرایش مسارعین در خیر با توجه به آیات ۵۷ تا ۶۱ مؤمنون چیست؟

۳. صفات کنشی مسارعین در خیر با توجه به آیات ۵۷ تا ۶۱ مؤمنون چیست؟

با جست‌وجو در سامانه‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی کتاب، پایان‌نامه یا مقاله‌ای که در صدد توصیف مسارعان باشد یافت نشد گرچه تحقیقاتی در زمینه آیاتی که امر به مسارعه و استباق کرده‌اند وجود دارد، اما اینکه به صفات مسارعین آن هم بر اساس آیات ۵۷ تا ۶۱ مؤمنون بپردازد وجود نداشت.

مفهوم مسارع

«سَرَعَ، سُرْعَت» به معنای شتاب است.^۱ سرعت عبارت است از شتاب داشتن؛ این معنی هم در اجسام کاربرد دارد و هم در کارها و نقطه مقابل آن، واژه بَطء به معنای کندی است.^۲

مُسَارَعَه به معنی مشارکت و تکثیر هر دو آمده است در بیشتر آیات قرآن به معنی تکثیر و مبالغه است؛ مثل «أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَبَنِينَ • نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ»^۳ آیا گمان می‌کنند آنچه از مال و پسران به ایشان می‌دهیم در رساندن خیرات به آنها بیشتر سرعت نشان می‌دهیم؟»

مفسر بزرگ مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان درباره فرق بین سرعت و عجله می‌نویسد:

«فرق بین سرعت و عجله این است که سرعت سبقت و پیشی جستن است در کاری که جایز و پسندیده و محمود باشد و ضد سرعت، کندی (ابطاء) است که مذموم و زشت است؛ ولی عجله به معنی پیشی جستن در جائی است که پیشی گرفتن سزاوار نیست و مذموم می‌باشد و ضد عجله تأنی و اناؤه است که خوب و محمود می‌باشد».^۴

الف. صفات بینشی مسارعین در خیرات

مسارعین در خیرات پیش از آنکه در عمل به نیکی و خیرات دست یازند، در اعتقاد و بینش صفاتی را در خود می‌پروراند:

^۱ طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ت الحسینی، ج ۴، ص ۳۴۴؛ راغب اصفهانی، حسین، المفردات، ط دارالقلم، ص ۴۰۷؛ قرشی بنایی، علی‌اکبر، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۲۵۵.

^۲ قرشی، سیدعلی‌اکبر، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۲۵۵؛ راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، ص ۴۰۷.

^۳ طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۸۱۴ و ۸۱۵.

۱. ترس از پروردگار

ترس از خدا به معنای ترس از مسؤولیت هایی است که انسان در برابر او دارد. ترس از اینکه در ادای رسالت و وظیفه خویش کوتاهی کند و به خوبی وظیفه‌اش را انجام ندهد و به عبارتی، ترس از گناهان خود است. حضرت علی (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «و لا یخافن الا ذنبه؛ هیچ یک از شما ترس نداشته باشد مگر از گناه خویش».^۱

صفت اول ترس و خشیت از پروردگار است که خداوند در این زمینه می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ﴾؛ خشیت به معنای ترسی است که با آگاهی انسان از عظمت خداوند و نیز درک کاستی‌های خود و کوتاهی‌اش در وظایف بندگی همراه باشد و در مواردی به کار می‌رود که مرتبط با خدا و شئون الهی باشد.^۲ این واژه در لغت به معنای مطلق خوف و ترس است.^۳ خوف همراه با تعظیم،^۴ ترس شدید^۵ و مراقبت همراه با ترس از دیگر معانی ذکر شده برای این کلمه است.^۶

اگر خَشْيَةٍ و مُشْفِقُونَ هر دو به معنای خوف باشد، آیه معنای صحیحی پیدا نمی‌کند زیرا معنای آن می‌شود: ان الذین من خوف ربهم خائفون که معنای صحیحی از آن استفاده نمی‌شود. باید گفت که خَشْيَةٍ به معنای ترس با عظمت است و به معنای صرف خوف نیست. مثلاً اگر انسان از مار بترسد به آن خوف می‌گویند ولی اگر این ترس همراه با یک نوع احساس تعظیم باشد به آن (خشیت) می‌گویند. مثلاً انسان هنگامی که در کنار رسول خدا (ص) است یک نوع خوف همراه با

^۱ نهج البلاغه، کلمه قصار ۸۲.

^۲ آشیان، «خشیت»، ج ۱۵، ص ۵۳۸.

^۳ خلیل بن احمد، کتاب العین، ماده خشی؛ ص ۴۱۲.

^۴ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ذیل خشیة؛ ج ۲، ص ۱۴۵.

^۵ قرشی، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۱۹.

^۶ مصطفوی، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ذیل خشیة، ج ۲، ص ۴۳۷.

که آنچه می‌دهند.^۱ یعنی این آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه مؤمنین علاوه بر ایمان به خدا و به آیات او ایمان به روز جزا نیز دارند، پس تا اینجا صفات مؤمنین متعین شد. و بیان شد که تنها به خدا ایمان دارند و برای او شریک نمی‌گیرند و به رسولان او و به روز جزا هم ایمان دارند، و به همین جهت عمل صالح انجام می‌دهند.

آن گاه فرموده: «أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ»، ظاهراً لام در لها به معنای الی باشد و لها که جار و مجرور است متعلق به سابقون، و معنایش چنین باشد، مؤمنینی که وصفشان را کردیم در خیرات و اعمال صالح سرعت نموده، و به سوی آن سبقت می‌جویند، یعنی از دیگران پیشی می‌گیرند، چون همه مؤمنند و لازمه آن همین است که از یکدیگر پیشی گیرند.

خیرات در جمله: «أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ...»؛ اعمال صالحه ناشی از اعتقاد حق است. پس روشن شد که از نظر این آیات خیرات عبارت است از اعمال صالح، اما نه هر عمل صالح، بلکه عمل صالحی که از اعتقاد حق منشا گرفته باشد. خیراتی که مؤمنین بر سر آن از یکدیگر سبقت می‌گیرند، نه آنچه نزد کفار از مال و اولاد است و ایشان آن را خیرات پنداشته‌اند، و خیال کرده‌اند به خاطر احترامی که نزد خدا دارند خدا در دادن خیرات به ایشان سرعت کرده.

در تفسیر کبیر گفته: در جمله «أُولَئِكَ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ» دو وجه است:

اول اینکه مراد این باشد که اینان در اطاعت‌ها رغبت شدید دارند، و به همین جهت برای انجام آن سبقت و مبادرت می‌جویند تا فوت نشود و اجرش از چنگشان نرود. دوم اینکه مراد این باشد که مؤمنین در پاداش‌های دنیوی سرعت به خرج می‌دهند یعنی خداوند به سرعت پاداش دنیایی ایشان را می‌دهد، هم چنان که در آیه دیگر آمده «فَأَتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ»^۲ خداوند ثواب دنیا و ثواب بهتر آخرت را به ایشان می‌دهد «و نیز آمده: «وَأَتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا، وَ

^۱ طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۵۵.

^۲ آل عمران: ۴۸.

إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ^۱ پاداش او را در دنیا دادیم، و او در آخرت هر آینه از شایستگان خواهد بود» و اگر سرعت را به خود مؤمنین نسبت داده نه به خدا، جهتش این است که وقتی خدا به پاداش ایشان سرعت کند، قهرا ایشان هم در رسیدن به آن سرعت کرده‌اند و این معنایی که ما کردیم با آیه شریفه بهتر انطباق دارد، برای اینکه در این آیه آنچه از کفار نفی شده برای مؤمنین اثبات گردیده است.^۲

آنچه از کفار در آیه قبلی نفی شده بود، سرعت خدا در خیرات کفار بود، و می‌فرمود: خدا اگر به کفار مال و اولاد داده در خیراتشان سرعت نکرده است.^۳

یعنی انسان رابطه‌ی خود را باید با مردم نیز حفظ کند. بنابراین خداوند در ابتدا رابطه‌ی مردم با خود را مطرح می‌کند؛ جریان عمل خالص را بیان می‌کند و سپس رابطه‌ی انسان با مردم را بیان می‌نماید. در جامعه‌ی متوازن باید دین و دنیا با هم همراه باشد. صفت دیگر این که در ادای وظایفی که از نظر پرداخت مال و ثروت به عهده‌ی آنان است، کوشا می‌باشند. صدقات واجبه و مستحبّه را به مورد خود می‌دهند و محبت مال و ثروت، آنان را از دادن صدقات و زکوات باز نمی‌دارد و در عین حال که به وظایف خود عاملند، «...و قلوبُهُمْ وَجِلَةٌ...» دل‌های آنان ترسان و لرزان است که مبدا اعمال آنان به مهر قبول و ختم پذیرش الهی مَخْتوم نگردد. این ترسی که دل‌های آنان را فراگرفته است، از آن نظر است که «...إِنَّهُمْ إِلَى رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ» این دسته از افراد، یقین و اطمینان دارند که بازگشت آنان به سوی پروردگارشان است و خواه ناخواه در سربازی دیگر حاضر می‌شوند و از این که در آن وقت، عملی مقبول نداشته باشند، قلوبشان خائف و لرزان است.

^۱ عنکبوت: ۲۷.

^۲ فخر رازی، تفسیر کبیر، ج ۲۳، ص ۱۰۷.

^۳ روح المعانی، ج ۱۸، ص ۴۵؛ طباطبایی، المیزان، ج ۱۵، ص ۶۵-۵۷.

نتیجه‌گیری

آنچه در این تحقیق ذکر شد، ترسیم و تنظیم کاملاً منطقی برای بیان صفات این گروه از مؤمنان پیشگام است، نخست از ترس آمیخته با احترام و تعظیم - که انگیزه ایمان به پروردگار و نفی هر گونه شرک است - شروع کرده و به ایمان به معاد و دادگاه عدل خدا که موجب احساس مسئولیت و انگیزه هر کار نیک است منتهی می‌گردد و مجموعاً چهار ویژگی و یک نتیجه را بیان می‌کند. مرحله‌ی اول؛ علم و شناختی که مایه‌ی خشیت شود. «مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ»؛ مرحله‌ی دوم؛ ایمان عمیق و دائمی به آنچه درک کرده است «يُؤْمِنُونَ»؛ مرحله‌ی سوم؛ دوری از انواع شرک‌ها، مخفی و آشکار «لَا يُشْرِكُونَ»؛ مرحله‌ی چهارم؛ انفاق از آنچه خدا عطا نموده است «يُؤْتُونَ» و مرحله‌ی پنجم؛ مغرور نشدن و دغدغه داشتن که مبادا کارم ناقص یا عملم مردود یا وظیفهام چیزی دیگری باشد و در قیامت پاسخ‌گو نباشم «قُلُوبُهُمْ وَجَلَّةٌ». که اگر اکثریت جامعه دارای این صفات باشند جامعه‌ی اسلامی تبدیل به مدینه‌ی فاضله می‌شود.

فهرست منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. آرام، محمدرضا، «معناشناسی خشیت در قرآن کریم»، در مجله پژوهش‌های اعتقادی کلامی، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰ ش.
۲. آریان، حسین، «خشیت و خوف از دیدگاه قرآن و عرفان»، در مجله ادیان و عرفان، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۸۶ ش.
۳. آشیان، زهرا، «خشیت»، در دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۵، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۹ ش.
۴. آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۳۸۹.
۵. شیخ طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، مقدمه، تهرانی، شیخ آقابزرگ، تحقیق، قصیر عاملی، احمد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۰ ش.
۶. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش، چاپ یازدهم
۷. ثقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، تهران: انتشارات برهان، ۱۳۹۸ ق، چاپ سوم
۸. خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، موسسه انتشارات هجرت، ۱۳۷۸.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار الشامیة، ۱۴۲۱ ق.
۱۰. شاه عبدالعظیمی، حسین حسینی، تفسیر اثنی عشری، تهران: انتشارات میقات، ۱۳۶۳ ش، چاپ اول

۱۱. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی
جامعه‌ی مدرسین، ۱۴۱۷ق.
۱۲. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مقدمه، بلاغی، محمد جواد،
تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ش.
۱۳. طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات اسلام، ۱۳۷۸
ش، چاپ دوم
۱۴. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات اسلام، ۱۳۷۸ش.
۱۵. طیب‌حسینی، سید محمود، «پژوهشی در معنای واژه قرآنی خشیت و تفاوت آن با
خوف»، در مجله کتاب قیم، شماره ۸، بهار و تابستان ۱۳۹۲ش.
۱۶. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۱۷. گیلانی، عبد الرزاق بن محمد هاشم، مصباح الشریعه و مفتاح الحقیقه منسوب به
امام جعفر صادق (ع)، تهران، پیام حق، ۱۳۷۷ش.
۱۸. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز نشر آثار علامه
مصطفوی، ۱۳۸۵ش.